

تاریخ ساسانیان از دریچه سنگ‌نگاره‌ها

• بهنام پاشنا
کارشناس ارشد رشته تاریخ



■ سنگ‌نگاره‌های ساسانی

■ شهره جوادی و فریدون آوزمانی

■ تهران، نشر بلخ با همکاری پژوهشکده نظر، چاپ اول، ۱۳۸۸،
تعداد صفحات: ۲۱۵

یکی از منابع مهم تاریخ ساسانی، سنگ‌نگاره‌هایی است که از این دوره باقی مانده‌است. سنگ‌نگاره‌های ساسانی که از منابع دست اول این دوره به شمار می‌روند، نمایشگر موضوعات مذهبی همچون اعطای مقام پادشاهی از سوی اهورامزدا و نیز موضوعات غیرمذهبی مانند صحنه‌های نبرد هستند و در بسیاری موارد مکمل منابع مکتوب بوده و گاه پرتویی بر زوایای تاریک تاریخ ساسانی افکنده و پرده از وقایع این دوران برمی‌دارد. همچنین این آثار از نظر مطالعه هنر، باورهای مذهبی، ایدئولوژی و اندیشه‌های سیاسی دوران ساسانی نیز حائز اهمیت فوق‌العاده‌ای است. لذا اگر گفته شود پژوهشگران در هر موضوع مربوط به تاریخ این دوره، ناگزیر از بررسی سنگ‌نگاره‌ها هستند، سخنی به گزاف نخواهد بود. شهره جوادی و فریدون آوزمانی در کتاب «سنگ‌نگاره‌های ساسانی» به پژوهش پیرامون این منابع مهم دوره ساسانی همت گماشته‌اند که نقد و بررسی کتاب مذکور موضوع این مقاله است.

معرفی کتاب

پنج صفحه ابتدایی کتاب به پیشگفتار و مقدمه اختصاص یافته که در این قسمت درباره اهمیت مطالعه سنگ‌نگاره‌ها بحث شده است.

کتاب علاوه بر پیشگفتار و مقدمه، شامل چهار بخش است. بخش اول به مباحث کلی درباره سنگ‌نگاره‌ها اختصاص یافته که مطالب آن را می‌توان در پنج قسمت طبقه‌بندی کرد:

(۱) نواقص مطالعات گذشته مستشرقین پیرامون سنگ‌نگاره‌های ساسانی و همچنین روش پژوهش مؤلفین در این اثر، مطالبی است که در نخستین مبحث از بخش اول بدان اشاره شده‌است.

(۲) در مبحث دوم با عنوان «مقدمه تاریخی»، به چگونگی قدرت‌یابی ساسانیان و سرانجام برخی عوامل مؤثر در سقوط آنها پرداخته شده و در پایان نام پادشاهان ساسانی به همراه طول مدت فرمانروایی ایشان در جدولی فراهم آمده‌است.

(۳) مبحث سوم به گفتاری پیرامون پیشینه بررسی و پژوهش درباره سنگ‌نگاره‌های ساسانی، از آغاز تاکنون اختصاص یافته‌است.

(۴) در چهارمین فراز از این بخش به ارزش مطالعاتی سکه‌ها و سنگ‌نگاره‌های ساسانی اشاره شده‌است.

(۵) در مبحث پایانی از بخش نخست سخن کوتاهی درباره خط سنگ‌نگاره‌های ساسانی به میان آمده و سنگ‌نگاره‌های دارای نوشته مشخص گردیده‌اند.

در پایان بخش اول مشخصات کلی سنگ‌نگاره‌ها شامل: موضوع، موقعیت جغرافیایی و قدمت تاریخی آن در جدولی فراهم آمده‌است.

بخش دوم پژوهش به بررسی نقش برجسته‌هایی که دارای موضوعات مذهبی بوده‌اند اختصاص یافته که به قرار زیر می‌باشند:

(۱) نقش تاج‌بخشی اهورامزدا به اردشیر اول در پانزده کیلومتری فیروزآباد،

(۲) نقش تاج‌بخشی اهورامزدا به اردشیر اول در نقش رجب، (۳) نقش تاج‌بخشی اهورامزدا به هرمز اول در نقش رجب

(۴) صحنه تاجگیری نرسی از آناهیتا در نقش رستم
(۵) دریافت نماد شهریار (حلقه سلطنت) از اهورامزدا و آناهیتا در تاق بستان (مربوط به خسرو پرویز)

در نقش رجب، ۱۸) صحنه خانوادگی مربوط به شاپور دوم و سوم، ۱۹) نقش شکار حیوانات وحشی توسط فرمانروای ساسانی در تاق بستان، ۲۰) نقش خسرو پرویز سوار بر اسب با لباس رزم در تاق بستان

بخش چهارم پژوهش به نقش برجسته‌هایی با موضوعات ترکیبی اختصاص یافته‌است که در اغلب آنها یک رویداد مذهبی و غیر مذهبی یا در برخی موارد دو موضوع غیر مذهبی توأمان در یک صحنه به نمایش درآمده‌اند. سنگ‌نگاره‌های این گروه عبارتند از:

۱) نقش تاجگیری اردشیر و پیروزی او بر اردوان در نقش رستم، ۲) نقش تاجگیری شاپور اول از اهورامزدا و پیروزی او بر امپراتوران روم در بیشابور، ۳) نقش تاجگیری بهرام اول در بیشابور، ۴) نقش تاجگیری اردشیر دوم و غلبه بر دشمن در تاق بستان، ۵) نقش برجسته ناتمام در نقش رستم، احتمالاً متعلق به شاپور اول

پس از اتمام بخش چهارم، نویسندگان دستاوردهای پژوهش را تحت عنوان نتیجه‌گیری در یک صفحه ذکر کرده‌اند که خلاصه آن به قرار زیر است:

- سنگ‌نگاره‌های ساسانی علاوه بر اینکه بازتاب‌دهنده تاریخ مذهبی، سیاسی و اجتماعی دوران خود می‌باشد، از نظر مطالعه هنر دوره ساسانی نیز حائز اهمیت است.

- صحنه‌های شکار، رزم و تاجگذاری شاهان در نقاشی‌های روی گچ که زینت‌بخش دیوار کاخها بوده، بر مبنای تورات ایرانی در دوره اسلامی تأثیر گذاشته‌است.

- استفاده از عناصر طبیعت و منظره در نقش برجسته‌ها علاوه بر ریشه‌های جغرافیایی و منطقه‌ای، دارای جنبه‌های اعتقادی و نمادین است.

در بخش پایانی کتاب تصاویر سنگ‌نگاره‌ها، سکه‌ها و تاجهای ساسانی

۶) دریافت نشانه‌ای به عنوان برکت از آناهیتا توسط شاپور اول در تنگ قندیل کازرون

۷) نقش بهرام دوم در حال نیایش در روستای گوپوم در سی کیلومتری غرب شیراز

۸) نقش بهرام دوم در حال نیایش در برم دلك در دوازده کیلومتری شیراز

۹) نقش موبد کرتیر در حال نیایش در نقش رستم و نقش رجب

بخش سوم پژوهش مربوط به سنگ‌نگاره‌هایی است که صحنه‌های غیر مذهبی را نمایش می‌دهند، این سنگ‌نگاره‌ها عبارتند از:

۱) پیروزی اردشیر بر دشمنان در سلماس، ۲) نقش پیروزی اردشیر بر رومیان در داربگرد، ۳) نقش پیروزی شاپور اول بر امپراتور روم در نقش رستم، ۴) نقش پیروزی شاپور اول بر امپراتور روم در بیشابور- تنگ چوگان، ۵) نقش پیروزی شاپور اول بر امپراتوران روم در بیشابور- تنگ چوگان، ۶) نقش پیروزی شاپور اول بر دشمن (پهلویک) در بیشابور- تنگ چوگان، ۷) نقش پیروزی بهرام دوم بر دشمنان در بیشابور- تنگ چوگان، ۸) نبرد اردشیر با اردوان در تنگاب فیروزآباد، ۹) نبرد تن به تن بهرام دوم با دشمن در نقش رستم، ۱۰) نبرد هرمز دوم با دشمن در نقش رستم، ۱۱) دو نقش برجسته مربوط به بهرام چهارم در حال نبرد با دشمن در نقش رستم ۱۲) نقش برجسته ویستهم در ری، ۱۳) نقش بهرام دوم در میان درباریان در سراب بهرام در ده کیلومتری نورآباد ممسنی ۱۴) صحنه خانوادگی در برم دلك (احتمالاً هرمز اول)، ۱۵) نقش بهرام دوم در میان خانواده و بزرگان در نقش رستم، ۱۶) نقش بهرام دوم در میان خانواده در حال مبارزه با شیرهای درنده در سرمشهد در سی کیلومتری مغرب قصبه حره، ۱۷) شاپور اول در میان خانواده



کتیبه‌ی کرتیر در نقش رجب

گردآوری شده‌است.

این شخص هرمزد سکانشاه، برادر بهرام دوم باشد که علیه وی شورش نمود. (صفحه ۸۵)

۵) سنگ‌نگاره ساسانی در شهرری: این سنگ‌نگاره پیشتر به اردشیر اول، شاپور اول و بهرام چوبین نسبت داده شده بود، اما در پژوهش حاضر با استفاده از سکه‌ها مشخص شده که این سنگ‌نگاره مربوط به ویستهم دایی خسرو پرویز است که پیروزی خویش بر خواهرزاده‌اش را در یک نبرد تن به تن به تصویر کشیده‌است. (صفحه ۹۳)

– در تحلیل مطالب سنگ‌نگاره‌ها، از رویدادهای تاریخی به خوبی استفاده شده که برای نمونه می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱) تاجگیری نرسی از آناییتا در نقش رستم: که نشان تغییر نظام مذهبی در زمان نرسی و پس از پیروزی وی بر بهرام سوم، تلقی شده‌است. (صفحه ۴۴)
 ۲) دریافت نماد شهریاری توسط خسرو پرویز از اهورامزدا و آناییتا: نویسندگان بر این باورند که دلیل دریافت نماد شهریاری از دو ایزد (که تنها مورد شناخته شده نیز می‌باشد) آن بوده که خسرو پرویز قصد تبرئه خویش از اتهاماتی را که به وی وارد بوده (مشارکت در قتل پدرش هرمز، گرایش وی به مسیحیت و اتحاد و وصلت با امپراتور روم) داشته‌است. (صفحه ۴۶ و ۴۷)

– استفاده از سکه‌ها برای شناسایی بهتر پادشاهان تصویر شده در سنگ‌نگاره‌ها از دیگر مزایای پژوهش مورد بحث است که خود گواهی بر اهمیت به‌سزای سکه‌ها در مطالعات دوره ساسانی است.

برخی از کاستیهای کتاب

– در دو صفحه ابتدایی بخش نخست به روش پژوهش اشاره شده‌است، که بهتر بود این مبحث در همان مقدمه مطرح می‌شد.

– در صحنه تاج‌بخشی اهورامزدا به اردشیر اول در فیروزآباد، شیئی در دست هرمز، فرزند شاپور اول قرار دارد، که گیرشمن آن را بدون ذکر دلیل مگس‌یران فرض نموده که به نظر نویسندگان می‌بایست شیئی مقدس باشد، اما آنها نیز دلیلی بر مدعای خویش ذکر نکرده‌اند.

– برخی از اشکالات چاپی:

۱) حرف «ک» در واژه «کشف» (صفحه ۹)، حرف «الف» در واژه «امضاء» (صفحه ۶۷)، حرف «ه» در واژه «خانواده» (صفحه ۹۹) و حرف «ه» در واژه «منظره» افتاده است.

۲) صورت صحیح واژه «بیضا» به معنای سفید «بیضا» می‌باشد. (صفحه ۱۹)

۳) تنگ چوگان در زیرنویس به صورت «جوگان» آمده‌است. (صفحه ۷۲)

۴) عدد ۲۳ که برای زیرنویس آمده با فونت بزرگ نوشته شده، گویی جزئی از متن است.

۵) نام «رورت کپورت» در صفحه ۲۳ ذکر شده، ولی صورت لاتین آن در زیرنویس صفحه ۲۴ آمده‌است.

مسلم است آنچه که به عنوان کاستیها (البته به زعم نگارنده نقد) در بالا ذکر آن رفت، اشکالاتی بسیار جزئی بوده که امید است در چاپهای بعدی مورد توجه نویسندگان قرار گیرد، چرا که انتظار آن می‌رود چنین پژوهش ارزشمندی از همین اشکالات کوچک نیز عاری باشد.

نگاهی به مزایای کتاب

– در کتاب مورد بحث برای نخستین بار تمامی سنگ‌نگاره‌های برجای مانده از دوره ساسانی مورد بررسی قرار گرفته و جزئیات هر یک با کمال دقت شرح داده شده و تحلیل شده‌است. این در حالی است که پیشتر این سنگ‌نگاره‌ها به طور پراکنده و بنابر مناسبت موضوعات پژوهشی مورد توجه واقع شده بود. لذا این کتاب نیاز بسیاری از پژوهشگران را مرتفع خواهد نمود.

– در خلال متن و در کنار شرح جزئیات سنگ‌نگاره‌ها، تصاویر آن نیز به چاپ رسیده که به فهم بهتر مطالب کتاب کمک می‌کند. تصاویر گردآوری شده از سنگ‌نگاره‌ها، سکه‌ها و تاج‌های ساسانی در پایان کتاب نیز بدون تردید موجب سهولت مطالعات پژوهشگران خواهد شد.

– در مواردی نویسندگان به اصلاح دیدگاه‌های پژوهشگران پیشین پرداخته‌اند که از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱) نقش تاج‌بخشی اهورامزدا در نقش رجب: به گمان پژوهشگران پیشین پادشاه تصویر شده در این نقش شاپور اول بوده‌است. اما نویسندگان با توجه به شباهت فراوان این نقش برجسته با نقش برجسته تاجگیری بهرام اول در بیشاپور به این نتیجه رسیده‌اند که این دو نقش برجسته می‌بایست در فاصله زمانی کم و احتمالاً توسط یک هنرمند ایجاد شده باشد، لذا پادشاه تصویر شده در این نقش برجسته هرمز اول می‌باشد. بدین ترتیب کتیبه شاپور اول در نزدیکی این نقش برجسته بر خلاف نظر لوکونین و واندربرگ، ارتباطی با آن نداشته و در واقع این سنگ‌نگاره فاقد کتیبه است. (صفحه ۴۲)

۲) نقش بهرام دوم در برم دلک: پژوهشگران غربی این نقش برجسته را صحنه تاجگیری بهرام دوم از کرتیر معرفی کرده‌اند، ولی نویسندگان به دلایل زیر این فرضیه را رد کرده و آن را صحنه نیایش قلمداد نموده‌اند: (صفحه ۵۵)

الف – کرتیر در نظر مردم در جایگاهی نبود که در نقش اهورامزدا در روی زمین ظاهر شود.

ب – در سایر نقش‌های تاج‌بخشی، اهورامزدا حلقه سلطنت را به پادشاه اعطا کرده، ولی در این سنگ‌نگاره میان شاه و کرتیر چیزی رد و بدل نشده‌است.

ج – فرمانروا با هیکلی درشت‌تر نسبت به کرتیر تصویر شده، یعنی کرتیر در مقامی پایین‌تر از پادشاه قرار دارد. بنابراین منطقی نیست که شاه حلقه شهریاری را از فردی با موقعیت پایین‌تر از خویش دریافت کند.

۳) اصلاح نظر پژوهندگان غربی در مورد افراد پیاده در نقش برجسته سلماس: پژوهشگران غربی از جمله جکسن این افراد را بزرگان ارمنی دانسته‌اند ولی بنابر نظر مؤلفان، این افراد با توجه به چهره، آرایش مو و پوشاک می‌بایست همان خاندانهایی باشند که اردشیر را در جنگ علیه آرتاواز یاری نمودند. (صفحه ۶۴)

۴) سنگ‌نگاره نبرد تن به تن بهرام دوم در نقش رستم: برخی مستشرقین حریف بهرام را در این صحنه، کاروس، امپراتور روم قلمداد کرده، ولی از آنجا که دشمن پادشاه دارای نشانه‌های خاص فرمانروایان ساسانی مانند دیهیم بر کلاه، گردنبند و کفشهای مخصوص می‌باشد، نویسندگان احتمال داده‌اند که